

■ نیما احمدپور
مقالی که پیش روی شماست، در بخش نخست واپسین فصل از تعامل مجلس با رضاخان را بازخوانده و در فصل واپسین زمینه‌های انفعال و وادادگی مجلس از بند ظهور فزاینده تا اخراج وی از کشور را مورد تحلیل قرار داده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ بی‌خبری مجلس از وقایع مهم کشور در دوره اشغال

در رژیم‌های استبدادی و توتالیتر، گاه مسئولان میانی و در مواردی شاخص کشور نیز، از هر آنچه در اطراف آنان می‌گذرد بی‌خبر می‌مانند. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز تا زمان تسلیم شدن دولت و شکست ارتش ایران از نیروهای متفقین در ۳ شهریور ۱۳۲۰، از تحولات کشور اطلاع دقیقی نداشتند. اقلاً قرار بود مجلس در روز یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۲۰ تشکیل جلسه بدهد، اما در بی‌توجهی ارتش متفقین به مرزهای کشور در صبح دوشنبه ۳ شهریور، نخست‌وزیر وقت، علی منصور به استبداد ریاست مجلس اطلاع داد که فوراً در بعدازظهر آن روز جلسه اضطراری تشکیل شود تا او گزارش مهمی درباره رویدادهای کشور را به عرض نمایندگان برساند. نخست‌وزیر در میان موج حیرت و سکوت نمایندگان به طور اجمال گزارش داد که به‌رغم اعلام بی‌طرفی از سوی ایران، دولت‌های روس و انگلیس با اعلام نگرانی از فعالیت‌های آلمان‌ها در ایران، اقدام به اشغال کشور کرده‌اند، در حالی که دولت در دو نوبت در ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد و بخش عمده‌ای از آلمانی‌های مقیم ایران را اخراج کرده بود. اما دول روس و انگلیس به جای نشان دادن حسن تفاهم و حل مسالمت‌آمیز ماجرا، در ساعت ۴ صبح ۳ شهریور با دداشتی به نخست‌وزیر تسلیم و مطالب گذشته را در آن تکرار کرده و در مورد اشغال نظامی کشور هشدار دادند. طبق گزارش‌های واصله، در همان ساعاتی که نمایندگان روس و انگلیس با نخست‌وزیر مشغول مذاکره بودند، نیروهای آنها از مرزهای ایران عبور کرده و وارد کشور شده بودند. روس‌ها آذربایجان را اشغال کرده و به سوی تبریز در حال پیشروی بودند و انگلیسی‌ها هم بندر خرمشهر و بندر شاهرور را اشغال کرده و به سوی اهواز در حرکت بودند. بخشی از نیروهای انگلیس هم از مرز قصر شیرین به سمت کرمانشاه حرکت کرده بودند.

■ وقتی رضاخان دست به دامن فروری شد...
رضاخان که وضعیت را بسیار ناخوش و بحرانی می‌دید، بلافاصله از فروری که مدت‌ها مضروب و تحت نظر بود و بیمار به نظر می‌رسید کمک خواست تا تشکیل کابینه بدهد و مدیریت بحران کشور را به عهده بگیرد. فروری پس از استعفا منصرف در روز ۵ شهریور کابینه خود را تشکیل داد و در روز ۶ شهریور در جلسه فوق‌العاده مجلس، ضمن به ارائه برنامه تفصیلی نمی‌بیند، بلکه تمام تلاش خود را صرف حفظ مناسبات دوستانه با دول خارجی، به‌خصوص همسایه‌های ایران خواهد کرد. مجلس به فروری رأی اعتماد داد و ورش دولت برای رفع بحران را تأیید کرد. فروری و سهیلی وزیر امور خارجه، در ۱۸ شهریور ۱۳۲۰ در مجلس حضور پیدا کردند و درباره رویدادهای اخیر کشور و مبادله یادداشت‌ها و نامه‌ها با سفارتخانه‌های روس و انگلیس گزارش‌ها را تقدیم مجلس و اعلام کردند که برای اثبات نیات صلح‌طلبانه ایران، از قوای نظامی کشور خواسته شده که در برابر قوای متفقین به هیچ‌وجه مقاومت نکنند.

■ روایت یک کهنه‌سرباز از وادادگی نظامی رضاخان در شهریور ۲۰

رضاخان در طول حاکمیت خویش، فراوان به ایجاد ارتش نوین و بازسازی آن تظاهر می‌ورزید. این در حالی بود که این ارتش، از کوچک‌ترین مقاومتی در برابر نیروهای اشغالگر سر باز زد. سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی در این باره، در خاطرات خویش روایتی جالب توجه دارد:

«عین صحبت‌های شاه‌زاده در چهارم شهریور ۲۰ از این قرار است: سربازهای ما بسیار خوب هستند و خوب می‌جنگند ولی گوشت بدن جلوی تانک و هواپیما خطور نمی‌تواند طاقت بیاورد... مدتی بالاتر از این اقرار برای نشان دادن اینکه بزرگ ارتش‌مان فرامانده، وسایل لازم برای سربازان خوب و جنگنده آماده نکرده بود، می‌توان تصور کرد؟ این اقرار صریح بدون شک پرده از روی حقایق تلخ وقایع شهریور ۲۰، که محاصل و نتیجه مستقیم سلطه مشتاقانگیز شاه‌زاده ملت‌رنجیده ایران بود می‌دارد؛ چرا که ملت باستانی ایران، فرزندان خود را که به اقرار شاه سربازان بسیار خوبی بودند و خوب می‌جنگیدند، با کمال بردباری برای حفظ آب و خاک در اختیار او گذاشت، هر مالیاتی که بر آن ملت وارد حوصله تحمیل شد، با کمال سخاوت پرداخت کرد و تمام زور حاصل از نفت را یکجا در اختیار وی گذاشت. آن وقت شاه، که می‌بایست حقا و متقابلاً با نهایت قدردانی و قدرشناسی، شب و روز صرف کند که چگونه آن موجودات را به مصرف برساند که در روز مبادا، آن سربازان خوب و جنگنده فقط با گوشت بدنشان جلوی تانک و هواپیماهای حریف ظاهر نشوند، و تعداد یکصد هواپیما بمباران، که طبق گفته شخص او، می‌دانست چگونه با استفاده از آن با تعرض روس و انگلیس معارضه کنند، برای روز مبادا آماده داشته باشد، نه فقط به انجام کوچک‌ترین عمل مثبت پرداخت، درست بر عکس به فکر فرار افتاد! کجای این وضع شایسته صفت قدرت چنان فرامانده است؟ او، که خوب می‌دانست گوشت بدن جلوی تانک و هواپیما نمی‌تواند طاقت بیاورد، چگونه پذیرفت در تمام ایران، پناهگاهی برای حفاظت مردم در قبال بمباران هواپیما، بنا نکند؟ ساختن پناهگاه‌های اولیه به هیچ وسیله‌ای که از خارج وارد شود محتاج نبود، و به وسیله همان سربازان به خدمت احضار شده، با کمی صرفه‌جویی از برنامه روزه و میان قابل ساختن بود.»

■ جلسه تاریخی ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ مجلس شورای ملی
در جلسه ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، فروری در مجلس متن استعفا نامه رضاخان و انتقال سلطنت به پسر او، محمدرضا پهلوی را رقت کرد و به این ترتیب، باز بین رفتن حکومت استبدادی رضاخان، مجلس و سایر نهادهای قانونی جان تازه‌ای یافتند. فروری از جانب شاه جدید قول داد که قانون اساسی کاملاً رعایت خواهد شد و ایشان در امر مملکت‌داری کاملاً یک پادشاه قانونی خواهد بود. سپس از نمایندگان



مجلس شورای ملی و سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰

دست‌آختیاج رضاخان به سوی فروغی دراز می‌شود!

■ زمینه‌های تاریخی انفعال مجلس در دوره رضاخان
فراهم نبودن بسترهای دموکراتیک، سلطه طبقات کردنند. از جمله سید یعقوب انوار اشاره کرد که امیدوار است همه خرابی‌های سابق ترمیم شوند و مجلس حق داشته باشد و زور را استیضاح کند و آنان موظفند بلافاصله برای پاسخگویی در مجلس حاضر شوند. همچنین تأکید کرد که باید به مطبوعات اجازه انتقاد داده شود و مردم بتوانند از طریق آنها صدایان را به مجلس و به مسئولان برسانند. کارها تحت نظارت مجلس اداره شوند و همه در کنار هم برای آبادانی و سعادت کشور تلاش کنند. در جلسه ۲۲ شهریور از وزیر درایی در مورد انتقال جواهرات سلطنتی و پشتوانه اسکانس توسط رضاخان به خارج از کشور سؤال شد و او صراحتاً اعلام کرد که این خبر کذب محض است و جواهرات سلطنتی در بانک نگهداری می‌شوند و هیئت نظارت و ظهور جنبش‌های سیاسی - مذهبی و اگر نا کارآمدی دولتمردان و سیاستمداران در مهار بحران‌ها، سرخوردگی فرآیندها از مشروطه و دستاوردهای آن را به دنبال داشت. ضرورت تجدینظر اساسی در همه سیاست‌ها، شیوه‌ها و روش‌های اداره کشور، سرآغاز گرایش به سوی حاکمیتی مقتدر، تمرکزگرا و متحد بود. با توجه به بسترهای مناسب داخلی و خارجی و به‌ویژه حمایت انگلیس از رضاخان، شکل‌گیری گفت‌وگو با اشغالگران در ایران را تسهیل کرد تا با نوسازی غرب‌گرایانه و ایجاد دولتی اقتدارگرا، نهادهای سنتی و ناکارآمد از بین بروند و نظم نوینی جایگزین آنها نشود. این گرایش‌ها و نگرش‌ها، زمینه‌های نظری و عملی کودتای ۱۲۹۹ را رقم زدند. رضاخان با حمایت‌های بی‌دریغ تجدیدگرایان و با کمک سازمان‌های نوظهور و با قدرتی چون ارتش نوین و سرکوب جنبش‌های سیاسی و نیروهای باغی و خودسر و استقرار امنیت در سراسر کشور، نهایتاً تأیید شد به عنوان قدرتمندترین چهره سیاسی روز ایران. برآری که قدرت تکیه بزند. او با فرصت‌طلبی و زیرکی با بهره‌گیری به‌موقع از انفعال نخیکان و در پرتو ناکارآمدی نهادهای اصلی و حساسی چون مجلس و هیئت دولت و با کنترل مطبوعات و هدایت محافل فکری و سیاسی و دامن زدن به منازعات دائمی جناح‌ها و فراقسین‌های مختلف، از سردار سپه به نخست‌وزیری ارتقا پیدا کرد، با قدرت همه رقبای از میدان به در کرد و از همه مهم‌تر با کمک مجلس، همه را بهار روی شاه ناتوان ایران، احمدشاه بست.

■ نوع تعامل رضاخان با مجلس از ظهور تا فول
رضاخان پس از رسیدن به نخست‌وزیری، با حمایت‌های مستمتر و بی‌دریغ محافل فکری و سیاسی طرفدار خود، جنبش جمهوری خواهی را به راه انداخت تا نظام سیاسی را از مشروطه به جمهوری تغییر دهد، خود به



مجلس متن استعفا نامه رضاخان و انتقال سلطنت به پسر او، محمدرضا پهلوی را رقت کرد و به این ترتیب، باز بین رفتن حکومت استبدادی رضاخان، مجلس و سایر نهادهای قانونی جان تازه‌ای یافتند. فروری از جانب شاه جدید قول داد که قانون اساسی کاملاً رعایت خواهد شد و ایشان در امر مملکت‌داری کاملاً یک پادشاه قانونی خواهد بود.

عنوان رئیس‌جمهور کاملاً بر اوضاع مسلط شود و با اقتدار و تمرکزگرایی مطلق، بر نامه‌های شبه‌مدیریتی و تجدیدگرایانه موردنظرش را اجرا کند، اما در مجلس پنجم به‌رغم آنکه رضاخان با دخالت در انتخابات جمع کثیری از هواداران خود را به مجلس فرستاده بود، به دلیل ریشه‌دار نبودن این حرکت و مخالفت‌های جدی رهبران مذهبی و تلاش‌های مجدانه جناح اقلیت مجلس به سردمداری مدرس، سرانجام طرح جمهوری خواهی وی شکست خورد، اما رضاخان با سلسله تکتیک‌های مذهبی و استفاده از راهکارهایی چون استعفا و قهر و جلب نظر عده‌ای از علماء، توانست موقعیت از دست رفته خود را بازسازی کند. سپس با غلبه بر شیخ خزعل و همکاری و نزدیکی مزورانه با اقلیت مجلس، نمایندگان مجلس را وادار کرد تا مهم‌ترین اختیارات قانونی احمدشاه یعنی در اختیار او قرار آید و به این ترتیب موقعیتی استوار و حساس پیدا کرد، که گویای یک دیگر نه امکان برکناری او وجود داشت و نه این کار به صلاح کشور بود. از این به بعد او به عنوان نخست‌وزیر، لوائح مورد نظر خود را از طریق مجلس به تصویب می‌رساند و در آبان ۱۳۰۴ با سلطه هوادارانش بر مجلس توانست ماده واحده انقراض سلسله قاجار را به تصویب برساند و با منزوی کردن مخالفتش، تشکیک مجلس مستعانی مریکب از نمایندگان و فسادار خود، در قانون اساسی مشروطه تجدینظر و سلطنت را از سلسله قاجار به سلسله پهلوی منتقل کند. از این زمان فصل تازه‌ای در حیات پارلمنتاریسم ایران گشوده شد که از بسیاری از ابعاد بی‌تغییر بود. در این دوره، مجلس به عنوان مدافع منافع ملی، به‌سرعت جایگاه خود را از دست داد و مردمی‌ترین رکن نظام سیاسی مشروطه ناپود شد. با تغییر نمایندگان مجلس و حذف مخالفان دیکتاتوری از صحنه سیاست، مجلس کاملاً در اختیار رضاخان قرار گرفت و از آن پس تنها وظیفه آن تصویب فوری و بی‌چون و چرای لوائح و قوانین مورد نظر شاه و نهادینه کردن تصمیمات او به عنوان ابزاری نیرومند و ایجاد موانع حقوقی و قانونی در راه آزادی‌های سیاسی و مدنی بود. لغو ممنوعیت سیاسی نمایندگان مجلس و وزیران، لغو فعالیت مطبوعات آزاد و احزاب... از جمله اقدامات رضاخان در راه دستیابی به حکومت مطلقه بود. مجلس هم به اقدامات شبه‌مدیریتی و تجدیدمآبانه رضاخان جنبه قانونی داد و سا صویبات خود، پایه‌های حکومت استبدادی او را مستحکم کرد. به این ترتیب مجلس مطیع و وابسته شکل گرفت، به طوری که نیازی به انحلال آن با تشکیل نهادهای هم‌عرضی چون مجلس سنا یا تغییر قانون اساسی و امثالهم نبود، زیرا مجلس درست در خدمت حکومت خود کامه، رضاخان بود.

پیش‌خوابی

نظری بر خطرات شفاف‌ی جعفر شریف‌امامی به‌مثابه گوشه‌ای از واقعیت‌های دوره پهلوی دوم

کشف تاریخ از میان گپ و گفت‌ها!

اسدالله علم که فرمان نخست‌وزیری گرفته بود نایب‌التولیه بنیاد پهلوی شد. سپس در انتخابات چهارمین دوره مجلس سنا شرکت کرد و به نمایندگی این مجلس انتخاب شد. در مهرماه ۱۳۴۲، پس از افتتاح مجلس سنا، شریف‌امامی به ریاست آن انتخاب شد و این مقام را تا دریافت حکم نخست‌وزیری، در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۵۷، حفظ کرد. دومین دوره نخست‌وزیری شریف‌امامی، که همزمان با یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران بود، دو ماه طول کشید که طی آن حرکت انقلاب سرعت گرفت. شریف‌امامی در اواسط بهمن ماه ۱۳۵۷ از ایران خارج شد و در شهر نیویورک اقامت کرد. او پس از حدود ۲۰ سال زندگی در مهاجرت در ۲۶ خرداد ۱۳۷۷ در همان شهر درگذشت و در گورستان کسینکو در حومه شهر نیویورک به خاک سپرده شد.



محمد رضا کاتینی

جعفر شریف‌امامی از کارگزاران پر سابقه و مؤثر دوره پهلوی دوم به شمار می‌رود. این امری است که از مروری اجمالی بر زندگینامه وی به دست می‌آید: «جعفر شریف‌امامی حدود ۲۵ سال در سمت‌های وزیر، سنا، نایب‌تولیه بنیاد پهلوی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران، رئیس مجلس سنا و نخست‌وزیر مسئولیت داشت. همچنین شریف‌امامی پس از انتخاب به ریاست مجلس سنا به سمت استاد اعظم لژ بزرگ ایران منصوب گردید. شریف‌امامی در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۲۸۹ هجری شمسی در تهران متولد شد. پدر او حاج محمد حسین، ملقب به نظام الاسلام، معمم بود و در دستگاه سیدمحمد امامی، امام جمعه وقت تهران، خدمت می‌کرد. شریف‌امامی تحصیلات ابتدایی خود را در تهران در مدرسه شریف به پایان رساند. سپس به مدرسه آلمانی رفت، دوره متوسطه را در قسمت فنی تمام کرد، و پس از آن به همراه ۳۰ نفر دیگر از طرف وزارت راه به آلمان اعزام شد. شریف‌امامی ۱۸ ماه در آلمان در رشته‌های مربوط به راه‌آهن تحصیل کرد و در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت. شریف‌امامی پس از ورود به ایران، در منطقه جنوبی راه‌آهن به عنوان معاون سرکارگر قسمت نصب سا حقوق ماهانه ۴۰۰ ریال مشغول به کار شد. حدود سه سال و نیم بعد، وزارت راه او را برای ادامه تحصیل به سوئد فرستاد. در سال ۱۳۱۸ به ایران برگشت و درجات مختلف را در راه‌آهن

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در زمره سلسله‌گفت‌وگوهای حبیب لاجوردی یا کارگزاران رژیم گذشته در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. ناشر ایرانی این دو گفت‌وگو - که همان کتاب مورد اشاره ماست - در دیپاچه آن چنین آورده است:

«برای ترسیم چهره روشنی از تاریخ سیاسی هر دوره‌ای شناخت سیاستمداران و بازیگران عرصه سیاست در آن دوره و توانایی‌ها و ضعف‌های آنان همچنین مشی کشورداری و نوع نگاهشان به زندگی، جامعه و مردم ضروری است. این ضرورت در جامعه ما آشکارتر است؛ چراکه همواره حکومت‌های استبدادی و قائم به شخص سرنوشته مردم و کشور را در دست داشته‌اند. در ۲۷ سال‌های هم که محمد رضا پهلوی بر ایران سلطنت راند - به جز مدت کوتاهی در زمان دولت دکتر محمد مصدق - قانون و قانونگرایی



جعفر شریف‌امامی در گفت‌وگو با محمد رضا پهلوی

محلی از اعراب نداشت. بنابراین سرگذشت شریک تک آنهایی که در این استبداد ۲۷ ساله به ایران تجاوز کردند، شریف‌امامی ریاست جریه تهران را بر عهده داشت. در شهریور ۱۳۲۲، نیروهای شوروی و انگلیس عده‌ای از رجال سیاسی، روزنامه‌نگاران، افسران ارتش و کارکنان بنگاه راه‌آهن دولتی ایران را به اتهام همکاری با آلمان توقیف و در اراک زندانی کردند. یکی از بازداشت‌شدگان جعفر شریف‌امامی بود. پس از رهایی از بازداشتگاه، شریف‌امامی به مدیریت کل بنگاه مستقل آبیاری منصوب شد و در این سمت با مقام‌های عالی مملکت، تا محمد رضا شاه، در تماس قرار گرفت. در تیرماه ۱۳۲۹، با انتصاب سیهید حاجلی رزم‌آرا به نخست‌وزیری، شریف‌امامی به کفالت وزارت راه و پس از دو ماه به تصدی آن وزارتخانه منصوب گردید. در اسفند ۱۳۲۹، شریف‌امامی وزارت صنایع و معادن را بر حسین علاء، شریف‌امامی خدمت خود را در سازمان برنامه به عنوان عضو شورای عالی آغاز کرد و در دوران حکومت محمد مصدق هم در همین سمت باقی ماند. پس از وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تشکیل کابینه سیهید فضل‌الله زاهدی، شریف‌امامی به سمت مدیرعامل سازمان برنامه منصوب گردید، ولی سه ماه بعد استعفا داد تا در انتخابات دومین دوره مجلس سنا شرکت کند. او برای مدت سه سال نماینده تهران در مجلس سنا بود. با تشکیل کابینه دکتر منوچهر اقبال، شریف‌امامی وزیر صنایع و معادن را بر عهده گرفت و نخستین گام‌ها را در جهت پایه‌گذاری بخش خصوصی ایران برداشت. پس از برکناری دکتر اقبال، شریف‌امامی فرمان‌نخست‌وزیری را دریافت کرد و برای مدت هشت ماه در این مقام باقی ماند. در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۴۱، شریف‌امامی به جای

محمدعلی فروغی در کنار حسین علاء